پژوهش‌های دینی، سال اول، شماره ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۳۳-۵۶

موارد جمع نماز با تأکید بر اوقات اقامه آن در قرآن کریم*

سید محمدشریف حسینی Sharif2151@gmail.com
دانشجوی کارشناسی ارشد رشته شریعت

چکیده

نماز یکی از پایه‌های اساسی دین اسلام است و اهمیت آن به قدری است که رکن دوم اسلام قرار گرفته است. یکی از مسائل مورد خلاف و مهمی که در بحث نماز مطرح است موارد جمع نمازهای پنج‌گانه و اوقات آن‌ها است.

همه مذاهب اسلامی به جز احناف و ظاهری‌ها بر پایه یک سری عذرها، جمع دو نماز را جایز دانسته‌اند، و جمهور فقهای اهل سنت به جواز جمع دو نماز در شرایطی که وجه مشترک آن‌ها خروج انسان از حالت معمولی است، قائل شده‌اند. اما عذرها به تناسب جوامع و زمان‌های مختلف متفاوت هستند. و بدیهی است که در گفته‌های فقهای قدیم توجهی به عذرهای موجود در جوامع امروزی نشده باشد. با بررسی اوقات نمازها در قرآن می‌توان به این نتیجه رسید که بعضی از نمازها اوقات متعدد و مشترکی دارند که این امر در کنار عذرهای معتبر و شرعی، موجب جواز جمع بین دو نماز شده است.

کلید واژه‌ها: نماز جمع، اوقات نماز، وقت مشترک، عذر، نماز مسافر

---

* دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۸، پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۸

مقدمه

نماز یکی از ارکان اساسی اسلام است و عبادت مشترکی است بین همه ادیان، گرچه نحوه انجام آن در ادیان مختلف متفاوت است. عذرهای ترک نماز بسیار اندک، و تشویق و ترغیب از جانب شرع، در انجام آن بسیار زیاد است. و از آن به‌عنوان سنبل ارتباط نیک با خدا یاد می‌شود.

قرآن بر رعایت وقت نماز تأکید دارد و در بین امت اسلامی مرسوم است که این عبادت، در سه یا پنج وقت ادا می‌شود. در حالت‌های طبیعی این عبادت در پنج وقت ادا شده و در حالت‌های غیرطبیعی از پنج وقت به سه وقت کاهش می‌یابد، و در میان فرق و مذاهب اسلامی، جمهور اهل سنت در شرایطی خاص و با توجه به یک سری عذرها ادای آن را در سه وقت جایز دانسته‌اند.

با بررسی اقوال مذاهب معلوم می‌شود که فقهاء به اتفاق و اختلاف در جواز جمع بین نمازها به یک سری عذرها اعتبار داده‌اند، ولی به‌دلیل زندگی در جامعه‌ای کوچک و ساده، که به پیچیدگی و وسعت جامعه امروزی نبوده دیگر عذرها مورد توجه آن‌ها قرار نگرفته است. علت این امر اختلاف بر سر تعلیل به وصف منضبط[1] و غیرمنضبط و تعلیل به حکمت[2] است، بر این اساس برخی آن را به سفر محصور کرده و برخی آن را به موارد دیگر سرایت داده‌اند.

از جمله کتاب‌هایی که به بررسی این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به «**الصلاة**» ابونعیم، فضل بن دکین، «**شرح عمدة الفقه**» ابن‌تیمیه، «**الصلاة واحکام تارکها**» ابن‌قیم، «**صفة الصلاة**» آلبانی و «**صلاة المسافر**» قحطانی اشاره کرد.

سؤالاتی که در این بحث برای نگارنده مطرح شده است عبارتند از: آیا عذرهای ارائه شده توسط فقهای گذشته در جمع بین دو نماز برای جامعه امروز کافیست؟ در چه حالت‌هایی جمع

بین دو نماز جایز است؟ شرایط خاصی که سبب جمع نمازند کدامند؟ و وقت ادای نماز در شبانه روز چند بار است؟

در این جستار به بررسی این مسأله پرداخته می‌شود که در چه حالت‌هایی جمع بین دو نماز جایز است.

تعریف لغوی و اصطلاحی واژه جمع

جمع در لغت به‌معنای پیش هم قرار دادن و نزدیک کردن چیزی به چیز دیگر است. (راغب اصفهانی، ۲۰۰۸، ۱۰۹)

و در اصطلاح فقهاء به‌معنای: ادای دو نماز در وقت یکی از آن دو یا ادای هر کدام در وقت خود بدون فاصله است.

نظریه فقهای اسلامی پیرامون جمع نمازها

جمهور فقهاء در بعضی شرایط اجازه ادای نمازهای پنج‌گانه را در سه وقت می‌دهند. در ادامه به اقوال فقهاء و ادله آن‌ها پرداخته می‌شود.

مذهب حنفی: جمع بین نمازها را به‌دلیل وجود نصوص قطعی، که اوقات نمازها را تعیین می‌کنند، منع کرده است، و ترک این اوقات را تنها با نصوص قطعی هم‌رتبه، ممکن می‌داند. و تمامی احادیث وارده در سنت صحیح، در باب جمع را، حمل بر جمع صوری[۳] می‌کند مگر در سفر حج در عرفه و مزدلفه. (سرخسی، ۲۰۰۹، ۶۰/۴)

حنفی‌ها در جواز جمع بین دو نماز در عرفه و مزدلفه به **حدیث رسول الله –صلی الله علیه وسلم– استناد می‌کنند که: «أن رسول الله –صلی الله علیه وسلم– جمع فی حجّة الوداع المغرب**

والعشاء بالمزدلفة» (در حجة الوداع رسول الله –صلی الله علیه وسلّم– نماز مغرب و عشاء را در مزدلفه به‌صورت جمع خواند). (بخاری، بی‌تا، ۱۶۴/۲)

مذهب مالکی: مالکی‌ها قائل به اشتراک وقت می‌باشند و اسبابی را برای جواز جمع بین دو نماز قرار می‌دهند، این اسباب عبارتند از:

سفر: به دلیل وجود سختی و مشقت موجود در ادای هر نماز در وقت مشخص، و به‌دلیل سختی‌های موجود در سفر، به مسافر در جمع بین دو نماز رخصت داده شده است. (دسوقی، ۱۴۲۳، ۵۷۵/۱)

مالکی‌ها در این باب به حدیث انس بن مالک –رضی الله عنه– استناد می‌کنند که می‌گوید: «**کان النبی –صلّی الله علیه وسلّم– یجمع بین صلاة المغرب والعشاء فی السفر**» (رسول الله –صلی الله علیه وسلم– بین نماز مغرب و عشاء در سفر جمع می‌کرد. (بخاری، بی‌تا، ۴۶/۲)

بیماری: مالکی‌ها بیماری که در آن برای بیمار، امکان بیهوشی وجود دارد و منجر به فوت نماز از وقت خود می‌شود را عذری می‌دانند تا نمازهایی که وقت مشترک دارند (ظهر، عصر، مغرب و عشاء) در وقت اولی هر دو ادا شود، و این را رخصتی برای بیمار می‌دانند. (غریانی، ۱۴۲۶، ۵۱۷/۱)

مالکی‌ها بیماری را به سفر ملحق کرده، و به آن حکم سفر می‌دهند.

باران و گل‌آلود بودن مسیر همراه با تاریکی: مالکی‌ها جمع بین دو نماز در باران، و زمانی که مسیر گل‌آلود و تاریک باشد را جایز دانسته و به حدیث «**کان إذا جمع الأمراء بین المغرب والعشاء فی المطر جمع معهم**»[۴] (امام مالک، ۲۰۱۴، ۱۷۱) استدلال می‌کنند.

جمع در عرفه و مزدلفه: در عرفه بعد از فراغت از خطبه روز عرفه، بین ظهر و عصر در اول وقت ظهر جمع تقدیم می‌کنند، و به حدیث «...**ثم اقام فصلی، فصلی الظهر ثم اقام فصلی العصر ولم یصل بینهما شیئا**»[5] (مسلم، ۱۴۲۶، ۸۸۶/۲) استدلال می‌کنند. (غریانی، ۱۴۲۶، ۱۴۳/۲) و در جمع

بین دو نماز در مزدلفه، به حدیث «**جمع النبی -صلی الله علیه وسلم- بین المغرب و العشاء بجمع کل واحد منهما بإقامة و لم یسبح بینهما ولا علی اثر کل واحدة منهما**»[۶] (بخاری، بی‌تا،۶۸۷/۲) استدلال می‌کنند. (غریانی، ۱۴۲۶، ۱۴۵/۲)

مذهب شافعی: در مذهب شافعی جمع بین دو نماز را در سفر، با شروطی خاص و هم‌چنین در باران، یخ و برف در صورت ذوب شدن جایز می‌دانند. (شربینی، ۱۴۲۱، ۲۵۹/۱) و حکم به جواز جمع نماز در عرفه و مزدلفه نیز می‌دهند. (همان، ۲۶۰/۲) اما بیماری را به این سه مورد ملحق نمی‌کنند.

ادله شافعیه احادیث وارده در باب «جمع بین دو نماز» می‌باشد، که به برخی از آن‌ها اشاره شد. از جمله حدیث ابن‌عمر -رضی الله عنهما- که می‌فرماید: «**کان رسول الله -صلی الله علیه وسلم-اذا عجل به السیر جمع بین المغرب والعشاء**» (رسول الله -صلی الله علیه وسلم- زمانی که برای سفر کردن عجله داشت نماز مغرب و عشاء را به‌صورت جمع می‌خواند). (مسلم،۱۴۲۶، ۴۸۸/۱)

مذهب حنبلی: نگاه حنابله به اسباب جمع بازتر است، و دامنه جمع نزد آن‌ها از سایر مذاهب وسیع‌تر است و علاوه بر سفر و باران، بیماری و هرچه در معنای آن باشد را شامل می‌کنند. و هم‌چنین باد شدید در شب تاریک را جزء اعذار جمع نماز به شمار می‌آورند. (ابن‌مرداوی، بی‌تا، ۳۲۰/۲)

ابن‌قدامه در «المغنی» می‌گوید: جمع بین نماز، در بیماری‌هایی مباح است که ادای نماز در وقت خودش، منجر به ضعف و مشقت شود. و مریض در تقدیم و تأخیر، مانند مسافر مخیر است، و اگر هر دو برای او یکسان باشد، تأخیر، اولی می‌باشد. و در این باب به حدیث «**صَلَّی رَسُولُ اللهِ -صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ- الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ جَمِیعًا بِالْمَدِینَةِ، فِی غَیْرِ خَوْفٍ، وَلَاسَفَرٍ**»[۷] (مسلم، ۱۴۲۶، ۴۸۹/۱) استدلال می‌کند.

وجه استدلال به حدیث این‌گونه است که جمع بدون عذر درست نیست؛ لذا ثابت می‌شود که این جمع به‌خاطر بیماری می‌باشد. (ابن‌قدامه، ۱۴۱۷، ۱/۱۲۱)

حنابله جمع را برای مستحاضه و هر کس که شرایط مستحاضه را داشته باشد جایز می‌دانند مانند بی‌اختیاری ادرار و.... و به حدیث «**أنّ النَّبِيَّ –صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ– أَمَرَ حَمْنَةَ بِنْتَ جَحْشٍ بِالْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ بِغُسْلٍ وَاحِدٍ، وَأَمَرَ بِهِ سَهْلَةَ بِنْتَ سُهَيْلٍ**»[8] استدلال می‌کنند. (همان، ۱/۱۱۷)

نجدی در کتاب «حاشية الروض المربع»، مرضع، مستحاضه، عاجز از طهارت یا تیمم برای هر نماز، نابینا که در معرفت وقت مشکل دارد، و شغل‌هایی که ترک جمعه و جماعت در آن جایز است را در یک معنا می‌داند. (نجدی، ۱۳۹۷، ۲/۵۱)

مذهب ظاهریه: ابن‌حزم قصر نماز را از توابع هیئت نماز و جمع را از توابع اوقات می‌داند، و معتقد به جمع بین نمازها نیست و تمامی جمع‌های وارده در سنت را به جمع صوری، تفسیر می‌کند. و در کتاب خود در مورد اوقات نماز در ذیل حدیثی که انس بن مالک از پیامبر –صلی الله علیه وسلم– نقل می‌کند «**أَنَّهُ كَانَ إِذَا عَجَّلَ عَلَيْهِ السَّفَرُ يُؤَخِّرُ الظُّهْرَ إِلَى أَوَّلِ وَقْتِ الْعَصْرِ فَيَجْمَعُ بَيْنَهُمَا؛ وَيُؤَخِّرُ الْمَغْرِبَ حَتَّى يَجْمَعَ بَيْنَهُمَا، وَبَيْنَ الْعِشَاءِ حِينَ يَغِيبُ الشَّفَقُ**»[9](مسلم، ۱۴۲۶، ۱/۴۸۹) می‌نویسد: این حدیث خود ردی است بر هر خبر دیگری که می‌گوید: رسول الله –صلی الله علیه وسلم– بین ظهر و عصر، و مغرب و عشاء، در سفر جمع کرده، و حدیثی مخالف آن‌چه بیان شد نیست، و در غیرسفر که قطعا دلیلی بر تقدیم عصر به وقت ظهر وجود ندارد، و هم‌چنین دلیلی بر تأخیر ظهر به وقت عصر، و مغرب به وقت عشاء، نیز نیست. و می‌افزاید کسی که به‌قطع از این اخبار، جمعی، غیر از این جمع را برداشت می‌کند، اقدام به کذب و مخالفت با سنت ثابت کرده است. و در ادامه می‌نویسد که قائل به جمع صوری هستیم که خود جمع بین کل احادیث است و موافق با یقین حق، که هر نمازی در وقت خودش ادا شده است. (ابن‌حزم، ۱۴۲۱، ۲/۲۰۴)

مذهب امامیه: قائل به این هستند که نمازهای فرض در یک شبانه‌روز پنج وقت می‌باشد (نجفی، ۱۹۸۱، ۱۲/۷) و نیز معتقدند برای ظهر و عصر، و مغرب و عشاء، وقت مشترک وجود دارد. (همان، ۷۵/۷)

استدلال آن‌ها به حدیثی از ابی‌عبدالله –علیه السلام– است که می‌فرماید: «**اذا زالت الشمس دخل وقت الصلاتین الا هذا قبل هذا**»[۱۰] (کلینی، ۱۴۱۳، ۲۶۵/۳) و در حدیثی دیگر می‌فرماید: «**اذا غربت الشمس دخل وقت الصلاتین الا أن هذا قبل هذا**»[۱۱](همان، ۳/ ۲۶۷)

علت اختلافات

ابن‌رشد سبب این اختلاف را در تعدی یا عدم‌تعدی علت جمع در سفر می‌داند، که همان مشقت است. زیرا مشقت بر مریض در ادای نمازها در پنج وقت به مراتب بیش‌تر از مسافر است؛ لذا او به جمع کردن بین دو نماز اولی است، اما آن‌که علت را قاصره[۱۲]می‌داند و قائل به تعدد علت جمع نمازها نیست، جمع برای مریض را جایز نمی‌داند. (ابن‌رشد، ۱۴۲۸، ۳۷۶)

مروری بر احادیث وارده در باب جمع بین نمازها

جهت اثبات جواز جمع در نگاه صحابه و وجود نقل صحیح نماز قصر و جمع در سنت رسول الله –صلی الله علیه وسلم– لازم است مروری بر احادیث وارده در باب جمع بین نمازها شود.

۱ـ انس بن مالک از پیامبر روایت می‌کند: «**كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا ارْتَحَلَ قَبْلَ أَنْ تَزِيغَ الشَّمْسُ أَخَّرَ الظُّهْرَ إِلَى وَقْتِ العَصْرِ، ثُمَّ يَجْمَعُ بَيْنَهُمَا، وَإِذَا زَاغَتْ صَلَّى الظُّهْرَ ثُمَّ رَكِبَ**» (رسول الله –صلی الله علیه وسلم– اگر قبل از این‌که خورشید متمایل شود (زوال کند) مسافرت می‌کردند نماز ظهر را تا وقت عصر به تأخیر می‌انداختند و اگر زوال شده بود نماز ظهر را می‌خواندند و حرکت می‌کردند). (بخاری، بی‌تا، ۴۸۷/۲)

طبق این حدیث جمع تأخیر (به تأخیر انداختن یک نماز تا دخول وقت نماز بعدی) به اثبات می‌رسد.

۲ـ از ابن‌عمر نقل شده است: «**كَانَ رَسُولُ اللهِ -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- إِذَا عَجِلَ بِهِ السَّيْرُ جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ**» و **أَنَّ ابْنَ عُمَرَ، كَانَ إِذَا جَدَّ بِهِ السَّيْرُ جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بَعْدَ أَنْ يَغِيبَ الشَّفَقُ، وَيَقُولُ:** «**إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا جَدَّ بِهِ السَّيْرُ جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ**» (رسول الله -صلی الله علیه وسلم- وقتی در مسافرت عجله داشت بین مغرب و عشاء جمع می‌کرد، و ابن‌عمر نیز وقتی در مسافرت عجله داشت بعد از این‌که شفق پنهان می‌شد بین مغرب و عشاء جمع می‌کرد و می‌گفت: رسول الله -صل الله علیه وسلم- وقتی در مسافرت عجله داشت بین مغرب و عشاء جمع می‌کرد). (مسلم،۱۴۲۶، ۴۸۸/۱)

اگر شفق، ورود وقت مغرب فرض شود طبق دلالت این حدیث رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- مغرب و عشاء را به‌صورت جمع تقدیم ادا کردند؛ لذا این حدیث اثبات کننده جمع تقدیم می‌باشد.

۳ـ ابن‌عباس می‌گوید: «**صَلَّى رَسُولُ اللهِ -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ جَمِيعًا، وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ جَمِيعًا، فِي غَيْرِ خَوْفٍ، وَلَا سَفَرٍ**» (رسول الله -صلی الله علیه وسلم- ظهر و عصر را با هم و مغرب و عشاء را با هم بدون ترس و سفر جمع خواندند). (همان، ۴۸۹/۱)

۴ـ سعید بن جبیر از ابن‌عباس نقل می‌کند که: «**صَلَّى رَسُولُ اللهِ -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ جَمِيعًا بِالْمَدِينَةِ، فِي غَيْرِ خَوْفٍ، وَلَا سَفَرٍ**» **قَالَ أَبُو الزُّبَيْرِ: فَسَأَلْتُ سَعِيدًا، لِمَ فَعَلَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: سَأَلْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ كَمَا سَأَلْتَنِي، فَقَالَ:** «**أَرَادَ أَنْ لَا يُحْرِجَ أَحَدًا مِنْ أُمَّتِهِ**» (رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نماز ظهر و عصر را بدون ترس و سفر در مدینه با هم خواند. ابوزبیر می‌گوید از سعید پرسیدم چرا این کار را کرد؟ گفت همین سؤال را من از ابن‌عباس پرسیدم و او گفت: به این خاطر که امتش را در حرج و سختی نیندازد). (همان، ۴۸۹/۱)

۵ـ معاذ بن جبل می‌گوید: «**خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِى غَزْوَةِ تَبُوکَ، فَکَانَ يُصَلِّى الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ جَمِيعًا، وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ جَمِيعًا**» (برای غزوه تبوک با رسول الله –صلی الله علیه وسلم– رفتیم و او نماز ظهر و عصر را با هم و مغرب و عشاء را با هم جمع می‌خواند). (همان، ۱/ ۴۹۰)

مجموعه این سه حدیث اگرچه مستقیما دلیل جمع تأخیر یا تقدیم نیست اما اصل جمع را به اثبات می‌رساند.

۶ـ ابن‌عباس می‌گوید: «**صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَمَانِيًا جَمِيعًا، وَسَبْعًا جَمِيعًا**»، **قُلْتُ: يَا أَبَا الشَّعْثَاءِ أَظُنُّهُ أَخَّرَ الظُّهْرَ، وَعَجَّلَ الْعَصْرَ، وَأَخَّرَ الْمَغْرِبَ، وَعَجَّلَ الْعِشَاءَ، قَالَ: وَأَنَا أَظُنُّ ذَاکَ**» (هفت رکعت و هشت رکعت نماز را با رسول الله–صلی الله علیه وسلم– به‌صورت جمع خواندم، و سپس به ابوشعثاء گفتم به نظرم، ظهر را به تأخیر، و نماز عصر را جلو انداخت، و نماز مغرب را به تأخیر، و عشاء را جلو انداخت، گفت به نظر من نیز این‌گونه می‌باشد). (همان، ۴۹۰/۱)

دلالت این حدیث مشعر بر اثبات جمع صوری است. (بدین‌صورت که نماز اول را در انتهای وقت خود ادا می‌کند به گونه‌ای که پس از اتمام نماز اول، وقت نماز دوم فرا رسیده باشد).

چنان‌چه ملاحظه شد، از مجموعه این احادیث، جمع صوری، جمع تقدیم و جمع تأخیر به اثبات می‌رسد.

اوقات نمازهای واجب روزانه در قرآن

پس از ذکر اقوال مذاهب و نگاهی کوتاه به احادیث جمع بین نمازها، و نوع رفتار رسول الله –صلی الله علیه وسلم– در این مورد، بررسی آیات اوقات نماز در قرآن، جهت رسیدن به نتیجه مطلوب، ضرورت دارد.

همواره این سؤال مطرح است که آیا جمع نمازها اصلی در قرآن دارد و آیا مجرد از سنت به اثبات می‌رسد؟

اگر به آیات قرآن در باب نمازها دقت شود مشخص خواهد شد که قرآن پنج نماز را در طول شبانه روز واجب کرده است.

۱ـ **نماز صبح** ﴿فَسُبْحَانَ ٱللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾ (روم، ۱۷)

۲ـ **نماز ظهر** ﴿وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾ (روم، ۱۸)

۳ـ **نماز عصر** ﴿فَسُبْحَانَ ٱللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ﴾ (روم، ۱۷)

۴ـ **نماز مغرب** ﴿وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيْلِ﴾ (هود، ۱۱۴)

۵ـ **نماز عشاء** ﴿وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ ٱلظَّهِيرَةِ وَمِنۢ بَعْدِ صَلَوٰةِ ٱلْعِشَآءِ﴾ (نور، ۵۸)

بررسی اوقات نماز در قرآن

دسته‌ای از آیات قرآن پیرامون اوقات نمازها است که دستور می‌دهد نمازها در چه وقت‌هایی به پا داشته شوند. آیاتی مانند:

۱ـ ﴿فَسُبْحَانَ ٱللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ. وَلَهُ ٱلْحَمْدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾ (روم، ۱۷-۱۸) (پس خدا را تسبیح گویید آن‌گاه که به عصر در می‌آیید و آن‌گاه که به صبح در می‌آیید. و ستایش در آسمان‌ها و زمین تنها ازآن اوست و نیز در پایان روز و هنگامی که به نیم‌روز در می‌آیید خدا را به پاکی ستایش کنید).

قرطبی از ابن‌عباس نقل می‌کند که: در قرآن از نمازهای پنج‌گانه یاد شده است. به او گفتند: آن آیات کجاست؟ گفت: خداوند فرموده: ﴿فَسُبْحَانَ ٱللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ﴾ که نماز مغرب و عشاء است

﴿وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾ نماز صبح است ﴿وَعَشِيًّا﴾ عصر است ﴿وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾ نماز ظهر است. (قرطبی، بی‌تا، ۱۴/۱۴)

رازی در مورد این آیات می‌گوید: این آیه واضح‌ترین آیه در مورد وقت نمازهاست، منظور از ﴿تُمْسُونَ﴾ نماز مغرب و عشاء است و ﴿تُصْبِحُونَ﴾ نماز صبح است و مراد از ﴿وَعَشِيًّا﴾ نماز عصر است و ﴿وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾ نماز ظهر می‌باشد. (رازی، ۲۰۰۹، ۲۲۰/۱۲)

۲ـ ﴿أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيْلِ وَقُرْءَانَ ٱلْفَجْرِ ۖ إِنَّ قُرْءَانَ ٱلْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ (اسراء، ۷۸) (نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپادار، و [نیز] نماز صبح را، زیرا نماز صبح بازدید و گواهی می‌گردد. و پاسی از شب را زنده بدار، تا برای تو [به منزله] نافله‌ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند).

رازی در مورد این آیه می‌گوید: منظور از ﴿لِدُلُوكِ﴾ زوال خورشید است که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء زیر آن وارد می‌شود و منظور از ﴿قُرْءَانَ ٱلْفَجْرِ﴾ نماز صبح است. (همان، ۱۰۶/۱۰)

۳ـ ﴿فَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۖ وَمِنْ ءَانَآيِٕ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ﴾ (طه، ۱۳۰) (پس بر آنچه می‌گویند شکیبا باش، و پیش از برآمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش، پروردگارت را تسبیح گوی، و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز، باشد که خشنود گردی).

برخی می‌گویند این آیه دلالت بر نمازهای پنج‌گانه دارد به این دلیل که، زمان یا به قبل از طلوع خورشید یا قبل از غروب آن اشاره دارد، لذا شب و روز در این دو لفظ داخل هستند.

۴ـ ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيۡلِۚ إِنَّ ٱلۡحَسَنَٰتِ يُذۡهِبۡنَ ٱلسَّيِّـَٔاتِۚ ذَٰلِكَ ذِكۡرَىٰ لِلذَّٰكِرِينَ﴾ (هود، ۱۱۴) (و در دو طرف روز و نخستین ساعات شب نماز را برپادار، بی‌گمان خوبی‌ها بدی‌ها را از میان می‌برد. این پندی برای پندگیرندگان است).

منظور از ﴿طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ﴾ صبح و عصر و ﴿وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيۡلِۚ﴾ مَغْرِبُ وَ عِشَاءُ می‌باشد. (رازی، ۲۰۰۹، ۶۰/۴)

با برسی دیگر آیات وارده در باب نماز و توجه به لغت عربی مشخص خواهد شد که قرآن برای هر نماز اوقات متفاوتی را ذکر کرده است.

وقت نماز صبح

قرآن برای نماز صبح دو وقت یعنی اول و آخر وقت را ذکر کرده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ وَحِينَ تُصۡبِحُونَ﴾ (روم، ۱۷) ازهری می‌گوید: حین اسم است مانند وقت و صلاحیت همه زمان‌ها را دارد، طولانی باشد یا کوتاه (ازهری، بی‌تا، ۲۵۵/۵)؛ لذا منظور از ﴿وَحِينَ تُصۡبِحُونَ﴾ همان موقع که به صبح وارد می‌شوید، می‌باشد.

این آیه بیان‌گر ابتدای وقت صبح است و در مورد آخر وقت آن، می‌فرماید: ﴿فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ﴾ (طه، ۱۳۰)

فراهیدی درباره صبح چنین می‌گوید: «الصبح والصباح هما اول النهار (فاخذتهم الصیحه مصبحین) ای بعد طلوع الفجر وقبل طلوع الشمس»[۱۳] (فراهیدی، ۱۴۲۶، ۵۰۶)

پس صبح اول روز است، و خداوند در آیه ۱۷ سوره روم به نماز در آن وقت دستور می‌دهد ﴿وَحِينَ تُصۡبِحُونَ﴾، و در آیه ۱۳۰ سوره طه به نماز خواندن قبل از طلوع خورشید دستور می‌دهد: ﴿قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ﴾.

پس خداوند دو وقت برای نماز صبح بیان می‌کند:

۱ـ هنگام طلوع فجر

۲ـ قبل از طلوع خورشید.

در جمع بین این دو آیه می‌توان چنین گفت: خداوند در آیه ۱۷ سوره روم ابتدا، و در آیه ۱۳۰ سوره طه انتهای وقت صبح را بیان می‌کند، و اقامه نماز صبح در بین این دو زمان مشروع، و نماز ادا شده است.

وقت نماز ظهر

از ظهر در لغت به‌عنوان «ساعة الزوال» یاد شده است. (همان، ۵۹۰)

در وقت نماز ظهر آیات زیر بایستی مورد توجه قرار بگیرد:

ـ ﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ. وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾ (روم، ۱۷-۱۸)

ـ ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۖ وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ﴾ (طه، ۱۳۰)

بایستی به این کلمات در آیات فوق توجه شود:

الف: ﴿وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾

ب: ﴿وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾

ج: ﴿وَأَطْرَافَ النَّهَارِ﴾

در یک وقت، امر به ادای پنج نماز شده است، و دستور به ادای آن در سه وقت نیز هست، با توجه به آیه: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ ۚ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ۚ ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّاكِرِينَ﴾ (هود، ۱۱۴) مسلما دو نماز دوتایی و یک نماز تکی وجود خواهد

داشت. باید توجه داشت آیه فوق در مقام بیان تعداد نمازها نیست بلکه اوقات نمازها را بیان می‌کند که سه وقت می‌باشد و آن عبارت است از:

۱ـ طرف اول روز (صبح)

۲ـ طرف دوم روز، یعنی انتهای روز (غروب) باید توجه داشت «طرف» در لغت یعنی جایی که بعد از آن چیزی نیست. آخر هر چیز. (فراهیدی، ۱۴۲۶، ۵۶۵)

رازی در تفسیر خود در مورد ﴿طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ﴾ می‌نویسد: مذاهب در مورد تفسیر ﴿طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ﴾ زیاد است، و قول بهتر این می‌باشد که نمازی که در دو طرف روز هست صبح و عصر باشد، چون یک طرف روز طلوع خورشید است و طرف دیگر غروب آن. طرف اول نماز صبح است و طرف دوم نمی‌تواند نماز مغرب باشد چون در زیر ﴿وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيۡلِۚ﴾ وارد می‌شود؛ لذا لازم است طرف دوم را حمل بر نماز عصرکرد. (رازی،۲۰۰۹، ۴۸۳/۸)

۳ـ وقت شب ﴿وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيۡلِۚ﴾. تا این‌جا آیات مشعر بر این است که پنج نماز در سه وقت ادا شود.

اگر پنج نماز در این سه وقت ذکر شده، قرار داده شود، طرف اول نماز صبح می‌شود، و طرف دوم نماز ظهر و عصر، و ﴿وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيۡلِۚ﴾ وقت نماز مغرب و عشاء می‌باشد. با این تقسیم‌بندی پنج نماز در سه وقت ذکر شده قرار گرفت. نماز ظهر در این دو وقت قرار می‌گیرد، شروع آن از ﴿لِدُلُوكِ ٱلشَّمۡسِ﴾ یا همان ﴿وَحِينَ تُظۡهِرُونَ﴾ و آخر وقت آن ﴿وَقَبۡلَ غُرُوبِهَاۖ﴾ قبل غروب خورشید می‌باشد.

وقت نماز عصر

در مورد وقت نماز عصر باید به این آیه توجه شود: ﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ﴾ (روم، ۱۷)

در لغت «مساء» به بعدازظهر تا نماز مغرب می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۲۶، ۹۱۰)؛ لذا چند ثانیه بعد از اذان ظهر مساء است، با این حساب شخص بعد از زوال وارد وقت مساء می‌شود، لفظ ﴿حِينَ تُمْسُونَ﴾ مشعر بر این است که شخص چند لحظه بعد از زوال وارد وقت عصر خواهد شد. با توجه به دلالت آیه و قید ﴿حِينَ تُمْسُونَ﴾ امر صورت گرفته که «فسبح حین تمسی و حین تظهر». به بیان دیگر چند لحظه بعد از زوال، مکلف را به نماز عصر امر می‌کند.

آخر وقت عصر هم با توجه به آیه ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ﴾ طرف آخر روز یعنی تا غروب خورشید می‌باشد.

وقت نماز مغرب وعشاء

قبلا بیان شد که خداوند پنج نماز را در شبانه‌روز فرض کرده و طبق آیه ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيۡلِ﴾ (هود، ۱۱۴) این پنج نماز را در سه وقت گنجانده؛ لذا دو نماز دوتایی و یک نماز به تنهایی وجود دارد.

در بیان وقت نماز مغرب و عشاء توجه به این الفاظ قرآن مهم است:

۱ـ وَعَشِيًّا ۲ـ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيۡلِ ۳ـ وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيۡلِ ۴ـ ءَانَآيِٕ ٱلَّيۡلِ ۵ـ مِّنَ ٱلَّيۡلِ

«**عشیا**»: عشی در لغت: بر آخر روز اطلاق می‌شود. (همان، ۶۴۱) راغب می‌گوید: «العَشِیُّ من زوال الشمس إلی الصّباح. قال تعالی: إِلَّا عَشِیَّةً أَوْ ضُحاها والعِشَاءُ: من صلاة المغرب إلی العتمة». (لحظاتی قبل و بعد غروب عشی است. در لغت بیش‌تر به قبل غروب عشی گفته شده است). (راغب اصفهانی، ۲۰۰۸، ۳۷۵)

«**غسق**»: الغاسق در لغت یعنی شب‌هنگام زمانی که شفق پنهان گردد. (فراهیدی، ۱۴۲۶، ۷۱۳) در قاموس المحیط تاریکی اول شب، غسق نامیده شده است. (فیروزآبادی، ۱۴۲۸، ۸۲۳) راغب در مورد غسق می‌گوید: ﴿غَسَقِ ٱلَّيۡلِ﴾ یعنی اوج تاریکی شب. (راغب اصفهانی، ۲۰۰۸، ۴۰۳)

مؤلف «زاد المسیر فی علم التفسیر» می‌گوید: منظور از ﴿غَسَقِ ٱلَّيۡلِ﴾ تاریکی شب است و در مورد نماز، سه قول وجود دارد: عشاء که قول ابن‌مسعود است و مغرب که قول ابن‌عباس می‌باشد. قاضی ابویعلی اشاره نفیسی در این مورد دارد، او می‌گوید احتمال دارد منظور بیان وقت مغرب، از غروب خورشید تا غسق الیل باشد. و قول سوم قول حسن بصری است که مقصود آیه هر دو نماز، یعنی مغرب و عشاء است. (ابن‌جوزی، ۱۴۲۲، ۹۹/۵)

«**زلفا من الیل**»: فراهیدی درباره آن می‌گوید: «زلفه من الیل طائفه من اوله» (قسمتی از ابتدای شب). (فراهیدی، ۱۴۲۶، ۳۹۴)

«**آناء الیل**» و «**من الیل**»: این دو در نتیجه یکی هستند، اما یکی نگاه به ظرفیت شب و دیگری به جزئیت شب دارد، چراکه در همه شب کسی مشغول یک نماز نمی‌باشد.

عشی بیان‌گر ابتدای وقت مغرب و عشاء است، همه نمازهای عشایی ﴿وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ﴾ (روم، ۱۸) و همه این اوقات ذکر شده وقت مغرب و عشاء هستند. و شخص با توجه به موقعیت تشخیص می‌دهد که کدام‌یک از زمان‌های نام‌برده برای ادای نماز مناسب‌تر هستند، و نماز را در آن وقت ادا می‌کند. گاهی هر دو نماز در غسق ادا می‌شود، و بعضی اوقات هر دو نماز در آناء الیل یا یکی در غسق و دیگری در وقتی دیگر از شب ادا می‌گردد.

با توجه به این آیات مشخص می‌شود که چهار وقت برای ادای نماز مغرب و عشاء، ذکر شده است و زمان ادا، وابسته به موقعیت مخاطب، و دیگر وابسته‌های موجود در تعیین بهترین وقت هستند. این نماز در هر کدام از اوقات که ادا شود فرد تابع قرآن می‌باشد.

اشاره به اوقات مشترک برای دو نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشاء، بیان‌گر این مهم است که وقت هر یک از این دو نماز یکی است. در غیر این صورت بیان اوقات مشترک برای نمازها

بیهوده بوده و با این توضیحات به نظر می‌رسد آیات این‌گونه جمع می‌شوند که، اگر انسان در وضعیت عادی باشد این نمازها را با توجه به نیازش به تذکرهایی که در نماز هست و مقاصد نماز، آن را در پنج وقت ادا می‌کند، اما در وضعیت غیرعادی فاصله را به هم می‌زند، نه این‌که نماز را از وقت خود خارج می‌کند؛ زیرا اگر شخص اجازه داشت نماز را از وقت خود خارج کند می‌توانست بین عصر و مغرب را جمع کند.

و این خود پاسخ به این سؤال است که چرا نماز عصر و مغرب را نمی‌شود با هم جمع کرد؟

چون هیچ نمازی خارج از وقت خود ادا نمی‌شود که بتوان قیاس گرفت. برای قیاس گرفتن باید اصلی باشد که بشود دومی را بر آن قیاس گرفت، در شرع نمازی وجود ندارد که خارج از وقتش ادا گردد.

ابن‌حزم و احناف که قائل به جمع نیستند از این جهت که، نماز نباید از وقت خود خارج شود، درست گفته‌اند. اما تمام مطلب این نیست، ادای نماز مغرب و عشاء با هم، یا ظهر و عصر در وقت یکی از آن‌ها، خروج یک نماز از وقت خودش نیست که شخص بخواهد دست به توجیه یا رد گزارش‌های صحیح موجود در سنت بزند. بلکه نماز در وقت خودش ادا شده و تنها فاصله بین دو نماز برداشته شده نه وقت آن‌ها.

خداوند در انتهای آیات نماز خوف می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا﴾ (نساء، ۱۰۳) به‌تعبیری دیگر بیان می‌کند که نماز را قصر کنید ولی وقت را به هم نزنید.

به‌صورت خلاصه قائل شدن به اشتراک وقت برای هر نماز، به شخص کمک می‌کند که بگوید اگر مکلف در موقعیتی واقع شد که آن موقعیت در ضوابط شرعی اعتبار داشت، (مثلا دچار حرج شد) از میان اوقات ذکر شده برای هر نماز در مناسب‌ترین زمان آن را ادا می‌کند. مثلا: برای دفع حرج ناشی از سفر، مغرب و عشاء را با هم می‌خواند و مکلف تشخیص

می‌دهد که کدام بهتر است و دفع حرج می‌کند؛ چون حرج با رحمت خدا در تضاد است و دفع آن از مقاصد عامه شرع می‌باشد.

افرادی که در موقعیت‌هایی مثل سفر واقع می‌شوند می‌توانند نمازها را در هر یک از اوقات تعیین شده در قرآن به‌جا آورند. رسول الله -صلی الله علیه وسلم- سفر را این‌گونه تعریف کرده است: «**السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ العَذَابِ، يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ وَنَوْمَهُ، فَإِذَا قَضَى نَهْمَتَهُ، فَلْيُعَجِّلْ إِلَى أَهْلِهِ**» (سفر بخشی از عذاب است یکی از شما را از خوردن، نوشیدن و خوابش باز می‌دارد؛ لذا بعد از انجام امورش در برگشت به‌سوی خانواده‌اش عجله کند). (بخاری، بی‌تا، ۵۸/۴)

سفر، یک اصل در جمع بین دو نماز به حساب نمی‌آید، بلکه به‌خاطر این اوصاف هست که به‌عنوان یک عذر اعتبار پیدا کرده است. در موقعیت سفر ادای نماز در سه وقت به دفع حرج نزدیک‌تر است و با روح شریعت هم‌خوانی بیش‌تری دارد.

دانشجو، پزشک، مریض، بی‌اختیار در ادرار و..... افرادی هستند که موقعیت مشابه سفر دارند، و می‌توانند از این اوقات مشترک در ادای نماز استفاده کنند.

قانون اصل جواز قصر و جمع

وقتی در مورد احکامی صحبت می‌شود که عملی هستند، واقعیت انسانی را باید در نظر گرفت. خداوند احکام را روی واقعیت انسانی انسان بنا کرده است.

توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها، حالات روحی و روانی و.....در قانون‌گذاری مؤثر است. خداوند به‌عنوان یک قانون‌گذار، به وضعیت‌هایی که انسان از حالت عادی خارج می‌شود توجه کرده است. خداوند، احکامی چون نماز، روزه، حج، زکات و.... را فرض کرده است. با بررسی انسان‌ها تفاوت آن‌ها مشخص می‌شود. مریض، مسافر، سالم، ثروت‌مند، فقیر و....؛ لذا به پیوست این تفاوت‌ها احکام نیز متفاوت واقع می‌شوند.

اگر بنا باشد برای آحاد یک جامعه قانون‌گذاری شود، باید وضعیت افراد آن جامعه را در نظر گرفت، و سپس قانون‌گذاری کرد. در منطق شرعی و بشری، تفاوت در وضعیت انسان‌ها، این را ایجاب می‌کند، که یک حکم واحد به نسبت دو فرد، در دو وضعیت متفاوت، صادر نشود.

وقتی شخصی در وضعیت عادی قرار دارد، از آن‌جا که برنامه زندگی و کاری انسان بر اساس ساعت و زمان تنظیم شده است، می‌تواند نمازهایش را در پنج وقت ادا کند (با توجه به اهداف تعیین شده برای نماز از قبیل مدیریت فردی، یادآوری و ذکر خداوند که در بخش‌های مختلف نماز وجود دارد) اما در وضعیت غیرعادی این مفاهیم در سه وقت حاصل می‌شود؛ چون اجرای آن در پنج وقت مشقت زاست و با واقعیت زندگی انسانی هم‌خوانی ندارد.

در توضیح بیش‌تر این مطلب باید گفت، اگر به زندگی روزمره انسان‌ها توجه شود، مشخص می‌شود که در یک شبانه‌روز، پنج تغییر در حالت خورشید به‌وجود می‌آید که کار و فعالیت انسان‌ها بر روی آن تنظیم شده است.

این پنج تغییر عبارتند از: طلوع فجر، طلوع خورشید و شروع کار جدی روزمره تا زوال و اتمام کار و فعالیت جدی روز، عصر و شروع یک مرحله کاری غیرجدی از کارهای روزانه، غروب آفتاب و اتمام روز و در نهایت غروب کامل خورشید و واقع شدن در شب.

در تغییر مراحل و موقعیت‌ها، انسان در طول روز نیاز به نماز پیدا می‌کند. در حالت سفر و دیگر حالت‌های غیرعادی این متغیرها سه تا بیش‌تر نخواهد بود. طلوع فجر، زوال تا ورود به شب و غروب خورشید و ورود کامل به شب. فرد در حالت‌های غیرعادی به جز سه تغییر یاد شده تغییرات دیگر را معمولا کم‌تر متوجه می‌شود. لذا نمازها روی این سه حالت تنظیم می‌شود. و این خود مصداق آیه ﴿وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم﴾(زمر، ۵۵) می‌باشد،

و احسن عبارت است از کامل‌ترین، به شرط عدم وجود حرج، زیرا در صورت وجود حرج از کمال کاسته می‌شود.

در حالات باران، سفر، و.... حالتی بر حالت عادی عارض شده و فرد مجبور است مشقتی زیادتر از حالت عادی تحمل کند؛ لذا (کل ما ضاقت اتسعت).

به عبارت دیگر احکامی که قرار است جزء رفتار روزمره انسان بشود متناسب با وضعیت انسان‌ها تنظیم می‌گردد .

مثلا اگر در احکام و شرایط حج و روزه تأمل شود مشخص خواهد شد که در حج، چون همه باید به یک محل بروند و مناسک، در یک محل انجام می‌شود، نیاز به توانایی جسمی و هزینه مالی است. یا روزه که قرار است مدتی طولانی فرد دست از خوردن و آشامیدن بکشد؛ لذا موافق با این وضعیت شرع استطاعت مالی و بدنی در حج، و استطـاعت بدنـی در روزه را شرط کرده، که خود مصداق بارزی از توجه به وضعیت انسانی در وضع احکام و قانون‌گذاری است.

بحث تدریج در تشریع نیز به‌گونه‌ای نگاه به وضعیت انسان است. مثلا در بحث تحریم تدریجی خمر، به‌خاطر مراعات وضعیت انسانی افراد آن جامعه، اقوال زیادی وارد شده است؛ لذا همیشه نصوص جزئی، متأثر از وضعیت انسان‌ها می‌باشد.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی اوقات نماز در قرآن، و رفتار و اقوال رسول الله –صل الله علیه وسلم– در سنت صحیح، و توجه به تأمین و تحقق مقاصد نماز، اصول قانون‌گذاری و ارتباط آن با برنامه و روال زندگی انسان‌ها، و هم‌چنین توجه به وضعیت انسان و رعایت شروطی که قانون‌گذار در وضع قانون باید به آن توجه داشته باشد، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

- جمع نماز تنها به عذرهایی که توسط فقهاء عنوان شده است، منحصر نمی‌گردد، و عذرهای یاد شده توسط آن‌ها جنبه مثالی دارد.

- نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشاء، دارای اوقات مشترک هستند، که قرآن از آن‌ها نام می‌برد.

- هر فرد با توجه به شرایط و موقعیت خود، بهترین وقت را برای هر نماز انتخاب می‌کند، و آن را ادا می‌نماید، و این به‌معنای خروج نماز از وقتش نیست.

- وقت نماز صبح از طلوع فجر تا طلوع خورشید، و وقت نماز ظهر و عصر از شروع زوال تا غروب آفتاب، و وقت نماز مغرب و عشاء از غروب خورشید تا انتهای شب می‌باشد.

پی‌نوشت

۱. وصف منضبط وصفی است که به نسبت متغیرهای متفاوت(زمان، مکان، افراد و)...تغییری نکند. مثلا سفر به نسبت همه سفر است و تفاوتی ندارد.

۲. تعلیل به حکمت آن است که حکمت مسأله در مقام علت قرار گیرد. مثلا در سفر حکمت جواز قصر دفع مشقت است (از بین بردن سختی از مسافر)

و ممکن است سختی بر او عارض نشود یا در جایی دیگر سختی بیش‌تر از سفر و جود داشته باشد اما شخص در شرع شاهد جواز جمع و قصر به نسبت آن موقعیت نباشد.

۳. جمع صوری ادای نماز اول در انتهای وقت آن و ادای نماز دوم در ابتدای وقت است، به‌صورتی که بعد اتمام نماز اول، وقت نماز دوم داخل شده باشد به‌دلیل نزدیکی دو نماز به هم اما هر کدام در وقت خودش.

۴. زمانی که امیران بین نمازهای مغرب و عشاء در باران جمع می‌کردند ابن‌عمر نماز خود را با آن‌ها به‌صورت جمع می‌خواند.

۵. سپس اقامه گفت و نماز ظهر خواند، و پس از آن اقامه گفته و نماز عصر خواند، و بین آن دو نمازی نخواند.

۶. رسول الله –صلی الله علیه وسلم– بین مغرب و عشاء را جمع کردند، و برای هرکدام یک اقامه گفته و بین آن دو و یا بعد از هر کدام از آن‌ها نماز نافله نخواندند.

۷. رسول الله –صلی الله علیه وسلم– در مدینه بدون ترس و سفر بین نماز ظهر و عصر جمع کردند.

[۸]. رسول الله -صلی الله علیه وسلم- به حمنه دختر جحش امر کرد بین نمازها با یک غسل جمع کند و به سهله دختر سهیل نیز مانند آن را امر کرد.

[۹]. رسول الله -صلی الله علیه وسلم- زمانی که برای سفر کردن عجله داشت نماز ظهر را تا ابتدای وقت عصر به تأخیر می‌انداخت و سپس بین آن دو جمع می‌کرد. و نماز مغرب را به تأخیر می‌انداخت تا این‌که شفق پنهان می‌گشت، سپس بین آن و نماز عشاء جمع می‌کرد.

[۱۰]. هنگامی که خورشید از خط نصف النهار گذشت وقت دو نماز ظهر و عصر فرا رسیده است، مگر این‌که نماز ظهر قبل از نماز عصر باید خوانده شود.

[۱۱]. هنگامی که خورشید غروب کرد وقت دو نماز مغرب و عشاء فرا رسیده است مگر این‌که نماز مغرب قبل از عشاء باشد.

[۱۲]. علت قاصره آن است که این علت جای دیگر یافت نمی‌شود لذا مسأله قابل به قیاس نیست.

[۱۳]. صبح و صباح هر دو بر اول روز اطلاق می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: (فاخذتهم الصیحة مصبحین) یعنی بعد از طلوع فجر و قبل از طلوع خورشید.

منابع

قرآن کریم.

ازهری، ابی‌منصور محمد بن احمد، **تهـذیـب اللّـــغة**، تحقیق: محمد عبدالمنعم خفاجی و محمود فرج العقدة، بی‌جا، بی‌تا.

بخاری، محمد بن إسماعیل أبوعبدالله البخاری، **صحیح البخاری**، دارالارقم بن ابی الارقم، بی‌جا بی‌تا.

ابن‌جوزی، جمال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، **زاد المسیر فی علم التفسیر**، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، چاپ اول، دارالکتاب العربی – بیروت ۱۴۲۲ هـ

ابن‌حزم، ابومحمد علی بن احمد بن سعید بن حزم الاندلسی، **المحلی بالآثار**، تحقیق: دکتر عبدالغفار سلیمان البنداری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۱ هـ.۲۰۰۱م.

دسوقی، شمس‌الدین شیخ محمد، **حـــاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر**، دارالفکر، بیروت- لبنان ۱۴۲۳ هـ ق ۲۰۰۳ م.

رازی، فخرالدین محمد بن عمر بن الحسین بن الحسن التیمی الرازی، **تفسیر الکبیر یا مفاتح الغیب**، چاپ سوم، دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۹ م.

راغب اصفهانی، أبوالقاسم الحسین بن محمد بن المفضل، **المفردات فی غریب القرآن**، چاپ سوم، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۸ م.

ابن‌رشد، أبوالولید محمد بن أحمد بن محمد، **بـدایـة المجتهد ونـهایـة المقتصد**، چاپ چهارم، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۸ هـ/۲۰۰۷ م.

سرخسی، ابی‌بکر محمد بن احمد، **المبسوط فی الفقه الحنفی**، دارالکتب العلمیة، بیروت ۲۰۰۹م.

شربینی، شمس‌الدین محمد بن محمد الخطیب، **مغنی المحتاج الی مـعـرفة الفاظ المنهاج**، دارالکتب العلمیة، بیروت- لبنان ۱۴۲۱هـ ۲۰۰۰م.

غریانی، دکتر صادو عبدالرحمن، **مـدونـة الفقه المالکی و ادلته**، موسسة الریان ۱۴۲۶-۲۷ هـ /۲۰۰۶ م.

فراهیدی، خلیل بن احمد ابی‌عبدالرحمن، **العین**، چاپ دوم، دارالاحیاء تراث العربی، ۱۴۲۶ هـ/۲۰۰۵ م.

فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، **القاموس المحیط**، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۸ -۲۹هـ/۲۰۰۸ م.

ابن‌قدامه، موفق‌الدین و شمس‌الدین، **المغنی مع الشرح الکبیر علی متن مقنع فی فقه امام احمد بن حنبل**، چاپ دوم، بی‌جا، ۱۴۱۷ هـ/۱۹۹۷م.

قرطبی، ابی‌عبدالله محمد بن احمد الانصاری القرطبی، **الجامع الاحکام القرآن**، انتشارات ناصر خسرو، طهران- ایران، بدون تاریخ.

کلینی، محمد بن یعقوب، **فروع کافی**، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت- لبنان ۱۴۱۳هـ ۱۹۹۲م.

مالک بن انس، **الموطأ**، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، نور الصباح الفجر مکتبة الامیر، بیروت- لبنان، ۲۰۱۴م.

ابن‌مرداوی، علاءالدین ابی‌الحسن علی بن سلیمان بن احمد آل سعدی، **الانصاف فی مـعـرفـة الراجح من الخلاف علی مذهب امام احمد بن حنبل**، تحقیق: ابی‌عبدالله محمد حسن محمد حسن اسماعیل الشافعی، چاپ اول، دارالکتب العلمیة، بیروت- لبنان، بدون تاریخ.

نجدی، عبدالرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی الحنبلی، **حـاشیة الروض المربع شرح زاد المستقنع**، چاپ اول، بی‌جا، ۱۳۹۷ هـ

نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، جاپ هفتم، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت- لبنان، ۱۹۸۱م.

نیشابوری، مسلم بن حجاج، **المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلی رسول الله صلی الله علیه وسلم**، دارالآفاق العربیة، ۲۰۰۵-۱۴۲۶ هـ.